

طراح کیست؟

اشیاء، مکان‌ها، پیام‌ها

نویسنده:

نورمن پوتر

مترجمین:

دکتر مهدی خاک زند

استادیار گروه طراحی محیط دانشگاه تهران

دکتر فرهنگ مظفر

استادیار گروه معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

ویراستار:

حمید کاشانیان

مقدمه مترجمین:

نورمن پوتر (۱۹۲۳-۱۹۹۵) طراح داخلی (واژه ای که همیشه آن را رد می کرد)، استاد دانشگاه و یک شاعر بود. او خود را کابینت ساز معرفی می کرد. در زمان جنگ جهانی دوم و پس از آن علاقه زیادی به طراحی بخصوص در حوزه داخلی ساختمان از خود نشان داد. بسیاری او را یک طراح مینیمال و در عین حال پیشرو در زمان خود می دانستند. تفکرات آنارشیستی او همواره در زندگی حرفه ای او نیز دیده می شود، تا جایی که چندین بار به زندان افتاد. از ۱۹۶۰ در کالج سلطنتی لندن مشغول به تدریس شد و در فرایند ساخت و ساز کالج هنر در غرب انگلیس، در بریستول همت فراوانی گمارد. به گفته خودش، بعد از نوشتن کتاب حاضر انرژی فراوانی برای نوشتن بدست آورد. کتاب دیگرش با نام "مدلها و ساختمانها" که در سال ۱۹۹۰ به چاپ رسید به گونه ای بازتابی از فعالیتهای وی در زندگی شخصی و حرفه ای او می باشد. وی معتقد بود توانایی نوشتن خلاقانه ارزشی کمتر از طراحی و ترسیم ندارد. او در سال ۱۹۹۵ در هنگام دوچرخه سواری در فالموث دچار حمله قلبی شد و درگذشت.

نورمن پوتر نگاه گاهها متفاوتی به معماری و شاید بهتر است بگوییم طراحی، در دوران مدرن دارد و نقدهای جالبی از آن ارایه می دهد. جمله معروف پوتر که از آن بسیار یاد می شود و در این کتاب به چشم می خورد این است: "اولین چیزی که در مورد ساختار عمیق طراحی مدرن باید بدانیم، این است که این ساختار بدنبال ارتباط و لذت بخشی است."

کتاب حاضر نوشته نورمن پوتر از جمله کتابهایی است که در حوزه ادبیات طراحی نگاشته شده است. علیرغم اینکه مترجمین از متخصصان رشته معماری می باشند، اما نویسنده این کتاب عمدتاً در عرصه های کلان و عمومی طراحی به بحث و بررسی پرداخته است. در واقع شاید بتوان گفت کتابی که پیش رو دارید، یک نوع تفکر طراحی (Design Thinking) را به نمایش می گذارد.

این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۶۹ تحت عنوان "آموزش و تمرین، راهنمایی برای دانشجویان و اساتید" به چاپ رسید. اثری را که پیش رو دارید ترجمه و ویرایش چهارم این کتاب در سال ۲۰۰۲ است.

نویسنده برای باز کردن بحث خود در حوزه های مختلف طراحی، از مثالهای فراوان از مکانها و اشخاص مختلف استفاده نموده است، تا جایی که ذهن خواننده گاه ممکن است دچار پیریشانی شده و رشته کلام را از دست بدهد. این در حالی است که نحوه نگارش نویسنده نیز کمی سخت و متفاوت از سایر متون لاتین ارزیابی می شود. با اینکه نویسنده انگلیسی زبان است اما نوع نوشته به گونه ای است که بعضی از قسمتها چندین بار ترجمه و اصلاح شد و شاید باز هم شفافیت لازم را دارا نباشد، هرچند مترجمین و ویراستار محترم کتاب تمام اهتمام خود را در جهت روان سازی متن بکار گرفته اند.

تجربه مترجمان در زمینه های علمی و حرفه ای طراحی معماری نشان می دهد که ترجمه کتاب "طراح کیست؟" از الزامات حیاتی جامعه علمی - حرفه ای ایران بخصوص در حوزه طراحی و معماری است. ترجمه کتاب فلسفی - نظری "طراح کیست؟" که یک نگاه همه سویه و در عین حال جامع در این حوزه را در بر می گیرد، مشکلات پیچیده ای در زمینه نحوه مواجهه با مسایل انتقادی این حوزه را پیش روی مترجمان قرار داده است. مترجمان تلاش کرده اند با رعایت اصول امانتداری در جهت معنی دار کردن و سهولت انتقال مطالب به خواننده فارسی زبان این مشکلات پیچیده را تا آنجا که ممکن است، حل کنند.

در آماده سازی این کتاب، بعد از مراحل ترجمه، افراد و گروه های مختلفی نقش داشته اند که در این بین نقش آقای حمید کاشانیان در بازخوانی و ویرایش نهایی پررنگ تر است. سرکار خانم معصومه فتحی در تایپ و حروفچینی مکرر این اثر مساعدت فراوانی نمودند. در خاتمه ضمن پذیرش مسئولیت لغزش های احتمالی، از صاحب نظران بخصوص در حوزه معماری، تقاضا می شود تا با تذکر اشکالات موجود در اصلاح و پربارتر کردن متن، مترجمان را یاری نمایند.

دکتر مهدی خاک زند

دکتر فرهنگ مظفر

بهار سال یک هزار و سیصد و نود

تقدیم به مارک (تاریخ درگذشت: ۱۹۶۹) و آنهایی که با او در بریستول، هورنسی و گیلفورد بودند.

سپاسداری

قبل از هرچیز مایلم از نویسندگان این کتاب و ناشران آنان تشکر و قدردانی کنم که اجازه دادند آثارشان بار دیگر به چاپ برسد و در بسیاری موارد، عملاً مرا حمایت و ترغیب کرده‌اند. من خصوصاً از خانم آرلن اکبو و خانم ج. ت. لایل سپاسگزارم که از سرلطف به من مساعدت نمودند. نیز مایلم از حمایت کنی هلند ویراستار نشریه معماری و انتشارات دانشگاه ویسکانسین قدردانی کنم که این امکان را فراهم ساخت تا شمارگان در خور توجهی از نشریه به چاپ برسد.

متن درسی حاضر از دو دوره دروس نظری حاصل شده که من در برنامه B.L.A در دانشگاه لینکلن تدریس می‌کردم و از دانشجویانی تشکر و قدردانی می‌کنم که طی سالها درگیر دوره‌های مذکور بودند و نظرات و پیشنهادهای مفیدی ارائه کردند. جان دیکسون هانت این پروژه را آغاز کرد و از ابتدا تا انتها، عملاً و عقلاً و اخلاقاً از کار حمایت نمود. خوانندگان ناشناس، نظرات و پیشنهادهای بسیار سودمندی به انتشارات دانشگاه پنسیلوانیا ارائه کردند. تمام پیشنهادهای را اغلب بنا به دلایل مالی، نمی‌توان پذیرفت، اما در شکل‌گیری نهایی این متن بسیار مفید بودند. جوجوسلین ونورین اوکانور در انتشارات دانشگاه پنسیلوانیا در فرآیند ویراستاری به معنی واقعی کلمه مرا راهنمایی کردند. برون بنتز، شریل اشتون، لیندا هالیدی، برندا کینگی و آلیسن گاردنر در دانشگاه لینکلن در فرآیند مفصل گردآوری متن و کسب اجازه‌های مربوط، کمکهای بسیار ارزشمندی برایم فراهم نمودند.

برحسب تجاربم، دریافته‌ام که تمام پروژه‌های علمی، در هر حد و اندازه‌ای، به زندگی خانواده‌های ما نیز تسری یافته، بنابراین از اعضای خانواده‌ام، جنی، متیو و مارتین به خاطر حمایت مداومشان، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل ۱ طراحی چیست؟	۵
فصل ۲ آیا طراحی هنرمند نیز هست؟	۱۳
فصل ۳ آموزش اصول طراحی	۲۱
فصل ۴ طراحی خوب کدام است؟	۳۳
فصل ۵ مشکلات مربوط به روش کار	۴۹
فصل ۶ طراحی در مقام صنعتگر	۷۱
فصل ۷ مطالعه آثار طراحی	۸۳
فصل ۸ خلاصه: دانشجویان طراحی می‌شوند.	۱۰۵
فصل ۹ پرس و جوی طراحی	۱۷۱
فصل ۱۰ کار طراحی چگونه انجام می‌شود؟	۱۱۱
فصل ۱۱ ارتباطات طراحان	۱۲۱
فصل ۱۲ گرافیک‌های ساده: راهبرد	۱۲۹
فصل ۱۳ طرح‌ها و مدل‌ها	۱۳۵
فصل ۱۴ پژوهش قبل از طراحی	۱۳۹
فصل ۱۵ پرسیدن سؤال	۱۴۹
فصل ۱۶ گزارش‌ها و گزارش نویسی	۱۵۵
فصل ۱۷ فهرست کتابها	۱۶۱
فصل ۱۸ توصیه‌هایی برای مبتدیان	۱۶۷
فصل ۲۰ گزارش کنفرانس	۱۷۷
فصل ۲۱ قواعد کلی بازی	۱۷۹
فصل ۲۲ تجربه برستول	۱۸۱
سخن پایانی	۱۸۹

مقدمه

این کتاب برای دانشجویانی تهیه شده است که آن دسته از اشیاء دست‌سازی را طراحی می‌کنند که در دانشکده‌های معماری و طراحی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. گذشته از پرسشی ضمنی که در عنوان این کتاب وجود دارد، سؤالاتی نیز در مورد انواع مهارت‌ها و استعدادهایی که می‌تواند برای کار طراحی مناسب باشد، در مفهوم آن وجود دارد. مباحثی کلی شامل توصیه‌های مفصلی در جهت مطالعه و آشنایی بیشتر با این مسائل مطرح شده‌اند و با بخشی از منابع عملی مستقیم که صرفاً به موارد ضروری در جنبه‌های گوناگون تکنیک طراحی (که با تغییر رنگ صفحه از دیگر قسمت‌ها متمایز شده‌اند) می‌پردازد، ادامه می‌یابد. تصاویر عمداً حذف شده‌اند. هرچه که مبحث کتاب پیش می‌رود، دلایل مطلب فوق برای هر خواننده اندیشمندی روشن می‌گردد؛ اما، خلاصه مختصری نیز از این استدلال در بخش ۱۹ ارائه شده است (طرح پرسش؛ مراجعه شود به صفحات مربوطه).

به اعتقاد نگارنده واژه «دانشجو» در این کتاب دربرگیرنده آن دسته از افراد در هر رده سنی است که به تازگی به موضوعی مرتبط با بحث این کتاب پرداخته باشند. در سطح معینی از آگاهی، تمامی کارکنان خلاق با ارتقاء سطح دانش خود به فروتنی می‌رسند و بارها آرزو می‌کنند که ای کاش به نقطه آغازین خود بازگردند تا بتوانند به روح خود نیرویی تازه بخشند: تا از خود بپرسند که هستند، چه کارهایی می‌توانند یا باید انجام دهند و چرا. امید است که این کتاب بتواند یابوری مناسب برای کسانی باشد که دست اندرکار چنین جستجویی هستند، نیز برای آنان که راه خود را تازه آغاز کرده‌اند و نیازمند راهنمایی‌اند.

به خوبی می‌توان دریافت که طراحی رشته‌ای است که به طور اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد و جنبه‌های مهمی وجود دارند که در آن‌ها به مسائل طراحی به عنوان مسائلی سیاسی نگاه می‌شود. در مورد طراحی هیچ کتابی وجود ندارد که از منظر سیاسی بی‌ارزش باشد و هر چه در آن ظاهر شود، بی‌طرفانه باشد. بنابراین، در این جا تصریح می‌کنم که این کتاب همواره و قاطعانه دیدگاهی طرفدار آزادی فردی داشته است و همواره تحت همان شرایط به سر می‌برد. این، کتابی است درسی در رشته معماری و در آن نشانی از سیاست نیست و از چنین دیدگاهی پیروی می‌کند. هم چنین، این کتاب – حتی به گونه‌ای نامتداول تر – به کشف و اتخاذ جایگاه مدرنیستی کلی در آن زمینه می‌پردازد و بر

آن است که آن‌چه مدرن است (ظاهراً) مانند فقر یا ثروت، همیشه با ماست و امکان تغییر آن وجود دارد". نیروهای سازنده در جهان را نباید با نیروهای واکنشی اشتباه گرفت، اما در چنین تعارض‌هایی و نیز در دشواری تفسیر آن‌ها، مورد چندان تازه‌ای وجود ندارد.

حقایق بسیار کلی مسلمی در زندگی مدرن وجود دارند که هر فعالیت سازنده‌ای در آنها می‌تواند نقش داشته باشد، در غیر این صورت، شاید بهتر باشد که هرگونه فعالیتی از این دست را به هر چیز و موجودی غیر از انسان نسبت داد. این حقایق شامل نگرشی جهانی به جایگاه انسان است که نمی‌تواند نابودی و تخریب جنگلهای استوایی را نادیده بگیرد، مگر آنکه نابرابری وحشتناک استانداردها و انتظارات زندگی را در نقاط مختلف جهان منظور کنیم. ارزش ندارد در مورد مراکز اصلی خودآگاهی زمانه‌مان صحبت کنیم که این مراکز در واقع اردوگاههای کار اجباری و تهدید همواره وحشتناک بمب اتمی بوده‌اند- و این مراکز اکنون چنان به طور غیرقابل باوری در کلاهک موشکها مخرب هستند که در تصور نمی‌گنجد. با وجود این، اگر همبستگی و تصورات انسانی اصلاً معنایی نداشته باشند، بر عهده همان آگاهی است که هرگونه ساختی، هر قدر اندک، را باید ترسیم کند، خوراک تهیه کند، قابل پیش‌بینی باشد- یا در غیر این صورت موجب ابتدال و ریشخند مفرط خواهد شد. قریحه خاصی متعلق به چنین برداشتها و تعبیری ولو آن‌که از روی اجبار نباشد و با سرکوبگری و بی‌طرفی آنها تفاوت دارد. زمانی بر ملا کردن و روشنگری عقاید در واقع اهمیت و موفقیت جنبش مدرن بود و در کار و میراث خود همچنان پراهمیت باقی ماند. برای برخی از این پرسش‌ها و هم چنین در مورد مسائل اساسی نظام صنعتی، ا. ف. شوماخر نوعی فراست تشخیصی قابل توجه و به همان اندازه خوش بینانه را عنوان می‌کند و با زبانی بسیار ساده آن‌چه را که باید حتماً با صراحت بیان شود، مطرح می‌نماید:

"جامعه صنعتی مدرن چهار ویژگی اساسی دارد که از نظر انجیل عهد جدید باید به عنوان بدی‌های عظیم و اندوه بار به شمار آیند:

۱. ماهیت بسیار پیچیده آن.
۲. تحریک مداوم و اعتماد به گناهان مهلک حرص و آز و خصومت توسط آن.
۳. نابودی محتوا و شأن اقسام کارها در این جامعه.
۴. شخصیت خودکامه جامعه مذکور که مدیون تشکیلاتی از واحدهای بسیار گسترده‌ای است.

گمان می کنم تمامی این بدی‌ها با این حقیقت تشدید شده‌اند که بخش عمده ای از صنعت با هدف سود مادی و خصوصی پدید آمده است،... (اما) استثمار بدتری که امروزه صورت می پذیرد "استثمار فرهنگی" است و آن اصطلاحاً استثماری است که پول سازان بی پروایی انجام می‌دهند و شدیداً مایلند گروههای کم سواد و محروم جامعه ما با فرهنگ شوند".

همچنین شوماخر پیشنهاداتی سازنده، داشته است که لزوماً مطابق میل و استعداد بسیاری از طراحان، نیست، اما چون در این کتاب بحث درباره این است که "طراحی، رشته دغدغه طراحی نسبت به یک موضوع و یافتن پاسخی برای آن و تحقیق درباره آن است و اغلب به همین اندازه نیز رشته تصمیم‌گیری درباره موضوع و کسب نتیجه از آن است" - چه کلمات بزرگی! - شاید یادآوری این مطلب دلگرم‌کننده باشد که ما هنوز با طرز تلقی مسیحیت بنیادگرا، دارای مدل‌ها یا نقش‌های قبل مشاهده هستیم. مدپرستان این مطلب را یادداشت برداری کنند.

در مبحث مقدماتی، این پرسش باقی است که چه چیز درباره این کتاب جدید است و آن را مستحق ویرایش مجدد کرده است؟ اول آن که، این کتاب اصل است: بدین معنی که باید گفت به جای آن که نوشته ای برگرفته از مطالعه دیگر کتب باشد، برای اولین بار و براساس تجربیات خود مولف در مقام طراح، سازنده و معلم نگاشته شده است. گمان می‌کنم کتاب سودمندی باشد - به لحاظ تحصیلات دانشگاهی برای دانشجویان سودمند است - تا با آن جنبش مدرن را در وجود خود احساس کنید و با آن زندگی نمایید. هر چند که این "اصل" بودن منحصرأ سودمند نیست. تفکری انتقادی و خلاق - که چندان مدعی آن نیستم - موارد متفاوت و مکملی ارائه می دهد و آن مزایایی ویژه در زمینه فاصله و وسعت نظر و بی طرفی نسبی در دیدگاه است. این مطلب دومین سرمایه اساسی این کتاب را در ذهن من زنده می‌کند. به نظر من، این کتاب مانند انگیزه اصلی و نیاز به طراحی مدرن حقیقی، جامع نیست؛ بلکه کمکی در این راه محسوب می‌شود. کتب مصور و کتاب‌های دیگری نوشته دیگر دانشمندان وجود دارند. اولین مطلبی که باید درباره ساختار عمیق طراحی مدرن آموخت این است که نسبت‌یاب (relation-seeking) است و این جای بسی خوشبختی است؛ اما، به قول معروف، باید دست به کار شد. احتمالاً کار خوب همیشه دشوار بوده و این دشواری کار هرگز بیشتر نشده است؛ به هر حال، امیدوارم این کتاب، موجب تشویق و ترغیب کسانی گردد که آن را در دست دارند.